

# سندیکالیسم در ایران، یک قرن مبارزه

به مناسبت اول ماه مه و با شادباش به همه زحمنکشان  
فرهنگ قاسمی

سی سال پیش وقتی نخستین جلد کتاب خود را در مورد "سندیکالیسم در ایران" انتشار دادم یکی از نویسندگان موتمن و مورد احترام با کمال تعجب اظهار داشت مگر در ایران جنبش سندیکایی وجود دارد؟

امروزه بخش کوچکی از پاسخی را که به ایشان دادم را در اینجا به نظر خوانندگان می‌رسانم.

بر اساس اسناد و مدارک تاریخی از آغاز این جنبش تقریباً یک قرن سال می‌گذرد. از زمانی که صنایع کوچک و مانوفاکتورها در ایران شروع به کار می‌کنند سندیکالیسم که به شکل واقعی خود فعال می‌شوند و کارگران در مراحل مختلف و به مرور زمان و در شهرهای گوناگون ایران برای دفاع از حقوق خود در واحدهای اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های حرفه‌ای تشکل پیدا می‌کنند.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم در اصفهان کارگران ریسندگی و بافندگی، در تبریز و خراسان کارگران فرش‌باف، در تهران کارگران خباز و کارخانه ریسمان سازی در شمال چای کارها و... واحدهای کوچک خود را در ارتباط با احزاب مترقی آن زمان از قبیل سوسیال دموکرات‌ها و حزب عدالت به وجود آورده و برای دستمزد و بهداشت و شرایط کار متعادل وارد مبارزات اجتماعی می‌شوند.

روزنامه "حقیقت" ارگان اتحادیه‌های کارگری ایران به همت "محمد دهگان" از این جنبش‌ها پشتیبانی و برای پیشرفت افکار مترقی و ضد به استثمار جان‌فشانی می‌کند. در همین دوران نخستین جشن‌های روز اول ماه می در شهرهای مختلف ایران با تظاهرات کارگران و فعالین سندیکایی برگزار می‌گردد ...

در دوران استبداد رضا شاهی اگرچه افرادی مانند "ارانی" برای ارتقای این مبارزات جان خود را از دست می‌دهند اما نهادهای جنبش‌های کارگری در کارخانه‌های ایران از جمله در کمپانی نفت ایران و انگلیس نهادینه می‌شود.

شواهد تاریخی در همه کشورهای جهان نشان می‌دهد که مبارزات کارگران همیشه می‌توانند در جهت مبارزات سیاسی و اقتصادی و توسعه و تعالی اجتماعی اثرگذار باشند. در مبارزات سیاسی ایران گاهی مبارزات سندیکائی ضد منافع مردم و زمانی در جهت منافع آنان عمل کرده‌اند.

به طور مثال می‌توان یادآور شد که جنبش سندیکائی که توسط یوسف افتخاری در شرکت نفت ایران و انگلیس فعال می‌شود و اعتصاب ۲۳ تیر ۱۳۲۵ را به ثمر می‌رساند اما در اثر سازش حزب توده با قوام‌السلطنه صدها کارگر زحمت‌کش زندانی می‌کردند و از کار بیکار می‌شوند و جان‌شان را از دست می‌دهند.

مثال دیگری که در جهت مثبت و تعالی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قابل ملاحظه است این می‌باشد که در همان شرکت در دورانی که محمد مصدق برای ملی شدن شرکت نفت و خروج انگلیس‌ها از ایران اقدام می‌کند، مبارزات سندیکای کارگران از جنبه‌های مطالبات شغلی و اقتصادی فراتر رفته و به مبارزات سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌گردد به طوری که امروز می‌توان گفت کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در دوران ملی شدن صنعت نفت توسط محمد مصدق در به ثمر رسانیدن این جنبش ضد استثمار و ضد استعماری نقش بسیار عمده‌ای را ایفا کرده‌اند.

اگرچه در زمان محمدرضا شاه پهلوی سندیکاهای کارگری سرکوب و آلت دست می‌شوند اما در خلال انقلاب هزار و سیصد پنجاه و هفت نقش مبارزات کارگران به ویژه زحمت‌کشان و کارکنان شرکت ملی نفت ایران قابل توجه می‌باشد.

امروز در جمهوری اسلامی و در رژیم استبدادی ولایت فقیه سرمایه‌داران صنعتی و بازرگانی در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی به چپاول ملت و میهن می‌پردازند. فشارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زحمت‌کشان میهن ما را در شرایط بسیار سختی قرار داده است به طوری که آنان به‌واقع از وضعیت تحصیل و آموزش‌های حرفه‌ای، مسکن، بیکاری، قیمت‌ها، دستمزد، بهداشت، مواد غذایی برق و آب، پوشاک ... رنج می‌برند. آری مردم عادی کشور ما با این همه ثروت و امکانات طبیعی در ردیف فقیرترین و نا امن‌ترین کشورهای جهان قرار دارد.

ایران و مردم ایران بنا بر قضاوت تاریخ تحمل این چنین شرایطی نمی‌تواند بکنند. تاریخ نشان داده است که هرگونه تغییر در رژیم‌های استبدادی در ایران بدون مساعدت نیروهای اجتماعی به ویژه با

همکاری و دخالت کارگران و به خصوصاً کارگران صنایع بزرگ از جمله صنایع نفت و گاز و برق امکان‌پذیر نمی‌باشد.

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۱ مه ۲۰۱۵